گزارش خبرنگار اعزامی «شهروند» از شهرهای زلزله‌زده در نوار غربی ایران

برایمان آب بیاورید

شماری از بیمارستان‌ها همزمان با زلزله تخریب شدند و مردم به بیمارستان‌های صحرایی منتقل شدند

بیشتر از ۹۰ درصد مردم در چهارگوشه شهر ساکن شده‌اند

عکس: مهدی حسنی/شهروند

سمیرا زمانی | هجده ساعت از حادثه گذشته، خارج از شهرها در نوار فرعی جاده ها، آنجا که به روستاها می‌رسند، بسیاری از خانه‌ها تخریب شده. رد پای زلزله همه جا هست و هنوز پای امدادگران به برخی روستاها نرسیده. وقتی آنها می‌رسند با کمک‌ها و بسته های مواد غذایی و آب سالم، مردم روستاها همه کارها را کرده‌اند. همه با هم آوارها را کنار زده، جنازه‌ها را بیرون کشیده و حالا سیاهپوشان بالای سر قبرهایی که خاکشان تازه است، مویه می‌کنند.

سر پل ذهاب جایی است که طرفداران ادیان مختلف کنار هم زندگی می‌کنند. رزق و روزیشان از کشاورزی است و تنها نگرانی‌شان از این که چادر و امکانات اولیه در این شرایط به سختی به دستشان می‌رسد. آنها نگران روزهای بعداند.

در کرمانشاه، رامش خاموشی، پرستار بیمارستان و همکارانش از لحظه وقوع زلزله آماده‌باش هستند؛ تعدادی از پرسنل بیمارستان محمد کرمانشاهی اهل سرپل ذهاب و قصرشیرین هستند. آنها مدام با خانواده و اقوام در تماس بودند و تعدادی از کسانشان در زلزله از دست رفته‌اند.

پرستاران بیمارستان باید با همه دلهره و نگرانی‌ها کار درمان را هم انجام می‌دادند. ساعتی بعد از زلزله آنها کودکان بیمار را به حیاط بیمارستان منتقل کردند. خانواده‌ها نگران به بیمارستان آمده بودند. چند نفری که اقوامشان در شهرها و روستاهای آسیب‌دیده بودند، می‌خواستند بچه‌هایشان را با خود ببرند. پدر یکی از کودکان از نیروهای امدادونجات هلال‌احمر بود و خانواده‌اش در سرپل ذهاب زیر آوار. آنها بچه بیمار را با خودشان بردند و خاموشی حالا می‌گوید از سرنوشت آنها و خانواده‌شان خبری ندارند و از سرنوشت خیلی‌های دیگر مثل آنها.

به بیمارستان اعلام کرده‌اند بیمارانی را که وضع بهتری دارند، مرخص کنند تا برای مجروحان احتمالی که به بیمارستان‌های کرمانشاه اعزام می‌شوند، تخت بستری مهیا باشد. بیمارستان‌های بزرگ کرمانشاه، امام‌رضا(ع)، امام‌خمینی(ره) و مراکز درمانی دیگر همه در وضع آماده‌باش هستند.

دوازده ساعت بعد از حادثه، معلوم شده کدام بیمارستان‌ها سر پاماندهاند و کدام بیمارستان‌ها از پا افتاده. ساختمان بیمارستان اطفال کرمانشاه در این زلزله آسیبی ندیده است. پرستاران در تمام ساعات پرالتهابی که درگیر کار بودند در تماس با خانواده‌هایشان خبر فروریختن ساختمان بیمارستان سرپل ذهاب را هم شنیده‌اند و غمی بر غم‌هایشان آوار شده است. «ما از همکارانمان بی‌خبریم، امیدواریم سلامت باشند.»

خاموشی می‌گوید که قصرشیرین هم امکانات درمانی زیادی ندارد و در این شرایط در این شهرها بیمارستان صحرایی بر پا می‌شود. گفته می‌شود تعدادی از بیماران را به بیمارستان‌های همدان اعزام کرده‌اند. بسیاری از روستاها از شهرهای سرپل ذهاب و قصرشیرین فاصله دارند. شاهدان عینی می‌گویند که هنوز راه منطقه ثلاث بازنشده است و از سرنوشت تعدادی از روستاییان اطلاعی در دست نیست. روستاهایی که بعید است به مرکز درمانی مجهز و ایمنی مجهز باشند. خاموشی می‌گوید وقتی در لحظه‌ای خانه‌های خشتی روستاها تبدیل به تلی از خاک می‌شود، نمی‌توان امیدی به خانه بهداشت و مراکز درمانی آن داشت.

ساعت ۸ صبح گفته‌اند مردم سر پل ذهاب همه در حیاط بیمارستان سرگردان هستند، بحث بین مسئولان دولتی بالا گرفته که با این اوضاع چه باید کرد. نیروهای نظامی دست به کار می‌شوند، جاده را باز می‌کنند و مصدومان را با هلی کوپتر می‌برند. سایه ترس همه جا پهن است.

...و خانه‌ها دوباره فروریختند

دوشنبه ۲۲ آبان، یک نصفه روز از شامگاه پرهراس یکشنبه گذشته. ۱۸ سال از جنگ گذشته است و دوباره خانه‌ها در مرز کرمانشاه با عراق به زمین ریختند. زخم جنگ هنوز از چهره سرپل ذهاب، قصرشیرین و شهرهای مرزی دیگر پاک نشده. هنوز یک سال نگذشته از زمانی که پرسنل اداره محیط‌زیست شهرستان سرپل ذهاب زمان گشتزنی تعدادی خمپاره کشف کردند. خمپاره‌های کشف‌شده با هماهنگی ارتش، در یک نقطه امن جمع‌آوری شده و در اختیار اکیپ خنثی‌سازی مستقر در منطقه قرار گرفتند؛ خمپاره‌هایی به جامانده از جنگی که فراموش نمی‌شود.

جاده های کرمانشاه و مسیرهایی که به سرپل ذهاب و قصر شیرین می رود، به پاوه و ثلاث باباجانی، پر است از آمبولانس هایی که با آژیرهای روشن این راه را رفته و آمده اند. اگرچه حرف از تخریب شهرهایی مثل سرپل ذهاب زیاد شنیده می شود اما زلزله ۷ و سه هم ریشتری که حالا پس از ۶۰۰ سال رکورد زلزله قبلی را شکسته، بیشتر در روستاها قدرتش را نشان داده است. جاده های کرمانشاه از مسیرهای فرعی به روستاهایی می رسند که بعد از ظهر دوشنبه مردم خودشان دست به کار شده‌اند: «دیشب همه جنازه‌ها را بیرون کشیدیم. صبح همه را دفن کردیم.» بیشتر روستاهای اطراف سرپل ذهاب دوشنبه، آفتاب به ظهر نرسیده، جنازه‌های آشنایانشان، عزیزان دور و نزدیک را بیرون کشیدند و یک به یک خاک کردند و مصدومان را با هر ماشینی که از جاده می‌رسید راهی سر پل ذهاب.

سیروان از صبح سعی می کند با خانواده‌اش در سرپل ذهاب تماس بگیرد، اخبار لحظه به لحظه می‌رسند و او دنبال این است که به سمت سرپل راه بیفتد. صبح جاده بسته بود، خانواده‌اش ساعت ۹ صبح گفته بودند: خیلی‌ها زیر آوارند. سیروان می گوید باید به داد ثلاث رسید، خیلی عجیب است خبری ازش نیست و راه‌های ارتباطی روستاها هم بسته است. شنیده اوضاع ثلاث وحشتناک است: «وضعیت سرپل یک‌طرف، وضع روستاها خیلی بدتر است. خیلی‌ها هنوز خبر ندارند. هر کسی از دهات زنگ می‌زند، بالای ۹۰ درصد خانه‌ها خراب شده و احشام از بین رفته‌اند. باید ببینیم وضع ثلاث چه شده.» ثلاث باباجانی نزدیک به مرکز زلزله است، روستایی کوهستانی که تا ظهر یکشنبه هنوز خبری از آمار و اطلاعات آن نرسیده: «روستاهای ثلاث بیشتر است و احتمالا تلفاتش هم بیشتر باشد.» ثلاث ۷۶ کیلومتر با عراق مرز مشترک دارد، منطقه‌های عملیاتی شاخ شمیران، بمو، ازگله و... از ازگله خبر رسیده است که کسی در آن زنده نمانده اما می گویند شایعه است و از صبح این خبرها زیاد است. قصرشیرین و سرپل ذهاب از دیشب بین آمار بیشترین تلفات همدیگر را پشت سر می گذارند.

سیروان می گوید که صبح در کرمانشاه ماموران راهنمایی و رانندگی نبودند و مردمی که داشتند فرار می کردند، ازدحام کرده بودند: «شنیدم در موالی نجف، از توابع دالاهو خانه‌های چوبی که بخاری در آنها روشن بوده، آتش گرفته‌اند و ۲۴ نفر زیر آوار سوخته‌اند.»

سیروان به سمت سرپل راه افتاده، دو ساعت تا آن جا فاصله است. فرماندار قصرشیرین اعلام کرده مرکز درمانی قصرشیرین باید مصدومان سرپل را هم بپذیرند. سال گذشته بود که نماینده مردم قصرشیرین در مجلس گفت که مشکل بیمارستان سرپل ذهاب کمبود فضای فیزیکی آن است. بیمارستانی با ۵۶ تخت‌خواب در شهری که ۹۰ هزار نفر جمعیت داشت و تازه باید جوابگوی مراجعان شهرستان‌های قصرشیرین گیلانغرب و ثلاث باباجانی هم می‌شد.

غیر از سرپل، بیمارستان اسلام‌آباد غرب هم آسیب زیادی دیده است. چادرهای هلال‌احمر رسیده اما هنوز خیلی از مردم نتوانسته‌اند خود را به بیمارستان‌ها برسانند؛ راه‌های دسترسی بعضی روستاها بسته است: «به هر کسی زنگ می‌زنیم، می گویند فلانی هم زیر آوار مانده، خیلی‌ها معلوم نیست کجا هستند و مفقودی زیاد است. خبر بیشتری ندارم، به هر کسی زنگ می‌زنم، صدای گریه می‌آید.»

فرشاد از اهالی روستای بیامه بروند بخش گهواره پیام فرستاده که مردم در سرما و سختی هستند. ظهر به کرمانشاه آمده تا کمک ببرد؛ می گوید بیامه ۶۰ خانوار جمعیت دارد و آن خانه‌هایی که با شناژ ساخته شدند، سالم‌اند اما خانه‌های گلی و قدیمی و اصطبل احشام به کلی تخریب شده است: «دیشب بچه‌ای یک سال‌ونیمه با مادرش زیر آوار مانده بود، متاسفانه فوت کرد.» از امروز صبح تازه کمک به روستا رسیده است، بعضی کمک‌ها خودجوش است. در سطح شهر سرپل بیشتر بافت قدیمی و مسکن مهر تخریب شده‌اند.

در ازگله و سرپل بیمارستان صحرایی راه افتاده است، فرشاد می گوید کمک‌های نیروهای امداد پوشش زیادی داشت و از شهرها و استان‌های همجوار هم برای کمک آمده‌اند: «از صبح علی‌الطلوع مقامات اعلام حضور کردند و نیروی کمکی و بالگرد فرستاده‌اند. در دو مسیر سنگ جاده‌ها را بند آورده بود که برداشتند و مسیر باز شد.» از ازگله نقطه مرزی ایران و عراق است که روستاهایش بیشترین را آسیب‌دیده‌اند: «آسیب‌ها در روستاهای بزمیرآباد جدی بود و روستاهای منطقه گوران هم بشدت آسیب‌دیده‌اند.»

شهرها و روستاهای کرمانشاه در گردنه‌های زاگرس، روی کوه‌ها و کوهپایه‌ها پراکنده هستند و کمک‌رسانی به آنها سخت است. هوا در ظهر دوشنبه کمی آفتابی شده. گاهی در شهر، بین مردم خبرهایی می‌پیچد از روستاهایی که همه ساکنان آن از بین رفته‌اند، اما خبرها قطعی نیست. سرپل ذهاب هنوز سرپاست به غیر از مسکن مهر در حاشیه شهر که بیشترین خبر آسیب و جانباخته‌ها از آن بود. ساختمان‌های شلوغ و پرجمعیت مسکن مهر غیرقابل سکونت شده‌اند و ساکنان سابقش کنار ساختمان‌ها چادر زده‌اند. بیماران، حتی آنها که آسیب جزیی دیده‌اند به بیمارستان‌های کرمانشاه یا شهرهای دیگر منتقل می‌شوند. آمبولانس در شهر زیاد است.

ظهر خبر از بیمارستان قصرشیرین می‌رسد که تخریب شده‌است.

آب... برای مصدومان آب بیاورید

نرسیده به کمربندی اسلام‌آباد غرب مسیر خلوت است. هنوز یک ساعت و نیم مانده تا سیروان به سرپل برسد. در جاده تریلی‌ها لودر می‌برند و خودروهای شخصی حامل کمک هم پراکنده دیده می‌شوند. سه خودرو ارتش با پلاک کردستان، آذربایجان و لرستان، یخچال‌دار. سیروان فکر می کند شاید نرسیده به سرپل در گردنه پاطاق کوه ریزش کرده باشد.

در کمربندی اسلام‌آباد مردم هنوز در چادرند. بعد از زلزله ساعت ۱۲ ظهر دیگر به خانه‌هایشان برنگشتند. چادرها برپا شده است. یک اتوبوس خط واحد پر از نیروهای ارتشی در جاده ایستاده است؛ احتمالا مسیرشان سرپل. کامیون خاکی‌رنگ ارتش هم می‌گذرد که بارش پتوی سربازی است. در کرند کامیون دیگری با کپسول اجاق گاز از جاده می‌گذرد. مردم کرند می‌گویند این‌جا کشته نداده ولی خانه‌هایی که در دامنه کوه بود، خراب شده است. سنگ‌هایی که بر اثر زلزله روی خانه‌ها افتاده آنها را ویران کرده است. انتهای شهر کرند، حدود ۳۰ چادر هلال‌احمر برپاست، اطرافشان خلوت است. تعداد کمی از مردم در چادرها هستند.

گردنه پاطاق ریزش کرده، اما ترافیک روان و مسیر باز است. بیل‌مکانیکی‌ها مشغولند و مسیر را هموار می‌کنند. حدود ۳۰ خودرو یگان ویژه در جاده است. سیروان سوار بر خودرو، قبرستان شلوغ را می‌بیند.

به ورودی شهر که می‌رسند، مسیر بسته است. نیروها برای جلوگیری از ازدحام، از ورود مردم جلوگیری می‌کنند، اما سیروان و همراهش می‌خواهند حتما به شهر بروند، مسیرشان را عوض می‌کنند و از راه دیگری خودشان را به شهر می‌رسانند.

شهر پر است از خبرهای عجیب، از شایعات تایید نشده و پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ای که زلزله با خودش آورده. یک روز پس از زلزله مردم در فضای باز و چند صد متر دورتر از خانه‌های تخریب شده‌شان در سرمای زمستان سرگردانند. از مهمترین مشکلات آنها که شاید برای ناظران بیرونی جدی به نظر نمی‌رسد، ترس از خوابیدن در فضای باز و حمله مار و عقرب است، برای همین هم هست که یکی درمیان می‌گویند: «بنویسید ما اینجا امنیت نداریم، با این همه مار و عقرب چه کار کنیم؟»

سیروان شهر را می‌بیند. شهر را پس از شامگاه لرزان یکشنبه. سرپل ذهاب را با مغازه‌هایی که شیشه‌هایشان شکسته و خانه‌هایی که «زمین ریخته‌اند.» شهری شلوغ، ازدحامی تلخ، مثل همان که در قبرستان بود و سیروان از کنارش گذشته. مردم در خیابان‌ها جمع شده‌اند، کنار خانه‌های خراب‌شده‌شان چادر زده‌اند. مردمی که ۲۰ سال نمی‌گذرد از وقتی که جنگ را دیدند. دیوارهای بعضی سازمان‌ها و شرکت‌ها هم در شهر ریخته است. سیروان از شرکت ارتباطات زیرساخت می‌گوید که دیوارش خراب شده. با دوستانش هماهنگ کرده تا کمک‌ها را به شهر برساند.

بیشتر از ۹۰ درصد مردم در چهارگوشه شهر ساکن شده‌اند. میدان تره‌بار، شهرک نیروی انتظامی، میراث فرهنگی و بخش دیگری از آنها هم در دو پارک جنگلی ساکن. اما بیشتر آنها نزدیک میدان تره‌بارند. جایی که در نزدیکی نیروی انتظامی است و آنها برای حفظ امنیتشان ساکن آنجا شده‌اند. با امکانات اندک.

سوپرهای شهر بسته‌اند و هنوز گلایه‌های بسیاری از توزیع غذا و آب وجود دارد. هرچند از صبح چند شیرینی‌فروشی کیک‌ها و شیرینی‌هایشان را پخش کرده‌اند و هلال‌احمر هم شیر توزیع کرده است اما وضعیت در روستاها وخیم است و هنوز رسیدگی به آنها میسر نشده‌است.

دسترسی در سرپل خوب است. باید بروند سمت روستاها و از آن جا خبر بگیرند: «می گویند در دهات همه خانه‌ها خراب شده است، در شهر هنوز خانه‌های سالم زیاد است و مردم کم‌وبیش دسترسی دارند.»

سیروان و همراهش نان آورده‌اند و خرما و آب معدنی و بیسکویت؛ خوراکی‌های زمان بحران: نمی‌دانستیم چه چیزهایی لازم است و با سختی هم وارد شهر شدیم. نیروهای انتظامی نمی‌گذاشتند. باید برویم محله‌هایی را که بیشتر تخریب شده‌اند، پیدا کنیم. فرقی نمی‌کند خانه قدیمی یا جدید، خانه‌های زیادی خراب شدند.» از اقوام خودش ۵-۶ نفر از بین رفته‌اند. این شهرها، سرپل و قصرشیرین خیلی عوض شده‌اند، جنگ یک‌بار چهره‌شان را عوض کرد و حالا دوباره خبر از تخریب و ویرانی است: «خانه‌هایی که در جنگ خراب شدند، مردم خودشان دوباره ساختند. هیچ‌کدام دیگر شهرهای قبل از جنگ نشدند. مثلا قصرشیرین که قبل از جنگ شهر دوم استان بود، سینما داشت و شهر دیگری بود.»

آنها به سمت بیمارستان می‌روند، هرچه بیشتر جلو می‌روند ترافیک بیشتر می‌شود. سمت غرب شهر انتهای سرپل به سمت قصرشیرین ریزش بیشتر بوده و نیروهای انتظامی و امدادی بیشترند. یک کامیون ارتشی کمک می‌رسد. مردم برای کمک جمع می‌شوند. سیروان حالا به بیمارستان رسیده، روی زمین چمن کنار بیمارستان به بالگردهایی نگاه می‌کند ایستاده برای انتقال مصدومان: «ورودی و خروجی بیمارستان سرپل ذهاب قابل استفاده نیست. بیمارستان کاملا تخریب نشده اما ورودی و خروجی‌هایش کاملا مسدود است. کنار بیمارستان یک زمین چمن است. آن جا بیمارستان صحرایی زده‌اند و چند هلی کوپتر مصدومان را از همین جا می‌برند.» داخل زمین چمن، ملخ‌های بالگرد می‌چرخند، حالا مصدومان در راه بیمارستان‌های تخریب نشده‌اند، شهرهای دیگر. پرستاران بیمارستان صحرایی می‌گویند: «آب... برای مصدومان آب بیاورید.»

مقاوم‌سازی مراکز درمانی در برابر حوادث غیرمترقبه به فراموشی سپرده شده

بیمارستان‌های بی‌تاب

۶۱ درصد بیمارستان‌های کشور بشدت فرسوده‌اند

گروه گزارش | شامگاه یکشنبه وقتی زمین زیر پای آدم‌ها لرزید، در کرمانشاه، پاوه و قصرشیرین، در اسلام‌آباد غرب، در سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی کسی به فکر بیمارستان‌ها نبود. مردم از ترس خانه‌های لرزان در پناه خیابان ایستاده بودند که خبر رسید بیمارستان شهر هم ریخته. لوازم و تجهیزات پزشکی، بیمار و پرستار و پرسنل زیر آوار گرفتار شدند. در خبرهای مربوط به حادثه پرسنل بیمارستان امام‌خمینی(ره) در اسلام‌آباد غرب در وضع آماده‌باش بودند که گفتند فاز یک بیمارستان تخریب شده. باز همان‌ها بودند که حیاط بیمارستان را آماده‌سازی کردند تا بیماران خارج از ستون‌های لرزان بیمارستان، زیر سقف آسمان آرام بگیرند. اینها تنها بیمارستان‌هایی نیستند که در حادثه زلزله شامگاه یکشنبه تخریب شدند.

سال ۸۶ مطالعه‌ای درباره مقاومت و میزان فرسودگی و پایداری بیمارستان‌ها روی ۵۴۵ بیمارستان ایران انجام شد و نتایج آن نشان داد ۸۸ درصد بیمارستان‌های کشور در برابر زلزله آسیب‌پذیرند. بررسی‌های دفتر مدیریت منابع فیزیکی وزارت بهداشت نشان می‌داد ۶۰ درصد این بیمارستان‌ها، آنچنان از نظر مقاومت سازه‌ای فرسوده‌اند که ارزش مقاوم‌سازی ندارند و بهتر است ساختمان‌های جدیدی جایگزین آنها شود. در تهران آمار بیمارستان‌های بشدت فرسوده که بهتر است تخریب شوند، حدود ۷۵ درصد اعلام شده. این سازه‌ها همان ساختمان‌هایی هستند که پس از زلزله‌های سنگین، تخریب شده و امکان استفاده از آنها وجود ندارد.

عمر بیشتر بیمارستان‌های موجود در ایران، بالای ۳۰ سال است، به‌ویژه در شهرهای بزرگ. در شهرهای کوچک اگرچه بیمارستان‌ها نوساز‌تر هستند و بسیاری از آنها در دهه‌های اخیر ساخته شده‌اند اما در بسیاری از موارد سازه این بیمارستان‌ها به دلیل رعایت‌نشدن اصول مهندسی در زمان ساخت و همچنین تحت تاثیر محدودیت‌های مالی و اعتباری اغلب با کیفیتی کمتر از آنچه باید طراحی و اجرا می‌شود و به همین دلیل هم در زلزله‌های احتمالی آسیب‌پذیرترند. شماری از بیمارستان‌ها در زلزله روز یکشنبه تاب نیاوردند، درست همان روزی که می‌بایست استوارتر از همیشه ایستاده باشند، آوار شدند و درمان زلزله‌زدگان ناگزیر در شرایط یک بیمارستان صحرایی ادامه یافت. در قصرشیرین و دیگر شهرها و حتی در روستاها هم مراکز درمانی تاب‌آوری نداشتند. زلزله منتظر نمی‌ماند، این یکی از مهمترین نکاتی است که همواره در مراحل آماده‌سازی و مقاوم‌سازی مورد توجه قرار می‌گیرد، همین نکته است که حوادث غیرمترقبه منتظر آماده‌سازی ما نمی‌مانند. در تهران، بخش عمده بیمارستان‌ها فرسوده‌اند، همان‌طور که بسیاری از پل‌های قدیمی در دیگر شهرها هم اوضاع از این بهتر نیست، سازمان‌های مدیریت بحران، همین الان هم می‌توانند پیش‌بینی کنند که در صورت وقوع زلزله در هر یک از شهرهای کشور، کدام بیمارستان‌ها تاب‌آوری دارند و کدام نه اما هیچ‌کس در هیچ سازمانی نمی‌تواند پیش‌بینی کند که مقاوم‌سازی بیمارستان‌ها کی و چطور آغاز می‌شود و چقدر زمان می‌برد. در این زمینه نه برنامه مشخصی وجود دارد و نه اعتبارات دولت و وزارت بهداشت، کفاف مقاوم‌سازی و بهسازی همه بیمارستان‌ها را می‌دهد. پیشتر وزارت بهداشت اعلام کرده بود حتی اگر کل بودجه سالانه وزارتخانه هم برای مقاوم‌سازی بیمارستان‌ها اختصاص پیدا کند، باز هم با توجه به فرسودگی بیشتر مراکز درمانی، امکان نوسازی و مقاوم‌سازی همه آنها وجود نخواهد داشت. البته گزارش‌هایی که تاکنون از عملکرد وزارت بهداشت درباره نوسازی بیمارستان‌های فرسوده ارایه شده، جای امیدواری باقی نمی‌گذارد و این وزارتخانه با توجه به مشکلات فراوان در حوزه سلامت و درمان، نتوانسته برای نوسازی و مقاوم‌سازی بیمارستان‌ها قدمی بردارد. با وجود این که در سال‌های گذشته این وزارتخانه اعتبارات جداگانه‌ای صرفا برای مقاوم‌سازی بیمارستان‌ها دریافت کرده است. در شرایطی که بیمارستان‌ها جزو نخستین سازه‌هایی هستند که در شرایط بحران فرو می‌ریزند، به راستی زلزله‌زدگان و آسیب‌دیدگان حوادث چه باید کنند؟ آیا جز این است که در چنین شرایطی هزینه خدمات درمانی و اورژانسی حوادث بشدت بالا می‌رود و بخش زیادی از توان نیروهای امدادگر به دلیل فروپاشی و تخریب بیمارستان‌ها و مراکز درمانی صرف انتقال مجروحان و آسیب‌دیدگان به شهرهای دیگر می‌شود؟ چه تعداد از همین مجروحان و آسیب‌دیدگان به دلیل همین نقل و انتقالات و این که خدمات درمانی را با تأخیر دریافت می‌کنند، ممکن است جان خود را از دست بدهند؛ درحالی که در صورت فعالیت مراکز درمانی در شهرهای خودشان امیدی به نجاتشان باقی بوده است؟ اینها همان چیزهایی است که البته همزمان با حوادثی مثل همین زلزله اخیر غرب کشور آنقدرها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. ما تنها آمار قربانیان و مصدومان را می‌شنویم، اعدادی که بالا و بالاتر می‌رود اما درنهایت کسی گزارش نمی‌دهد که چه تعداد از این قربانیان اگر سریع‌تر به بیمارستان می‌رسیدند، زنده می‌ماندند. مقاله یا پایان‌نامه‌ای درباره این موضوع نگاشته نمی‌شود که نابودی و تخریب بیمارستان‌ها در زمان حادثه، چه ارتباطی با افزایش آمار جانباختگان حادثه دارد و اگر این اتفاق‌ها نمی‌افتاد، چند نفر علی‌رغم جراحت‌هایشان، می‌توانستند همچنان به زندگی ادامه دهند.

در شرایط عادی کسی نگران بیمارستان‌ها نیست و بحث ضرورت تاب‌آوری سازمان‌های امدادی در شرایط بحران، برای مدیران که به قول خودشان هزار رویک مشغله دیگر دارند، آنقدرها جدی به نظر نمی‌رسد اما زلزله، سیل و هر حادثه دیگری منتظر نمی‌ماند، نه منتظر افزایش تاب‌آوری ما و شهرهایمان و نه منتظر زمانی که دوران بی‌پولی و سوءمدیریت‌ها به سر آید.

زلزله می‌آید و تکان‌های زمین، اول از همه فرسوده‌ترین‌ها را می‌ریزد و خاک می‌کند و بخشی از فرسوده‌ترین سازه‌ها همان مکان‌هایی است که باید چراغ امید و کمک‌رسانی در آنها به‌ویژه در شرایط بحران، روشن‌تر از همیشه بسوزد: بیمارستان‌ها، آتش‌نشانی و همه مراکز امدادرسان دیگر. دست کم تجربه این روزهای اخیر به زبان روشنی می‌گوید که آنها تاب ایستادن ندارند.